

یکشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۴
 وطن امروز | شماره ۴۳۰۷



ورزشی

اخبار

«اورست»

از تور بیست‌ها پس گرفته می‌شود!

با قوانین سخت‌گیرانه و جدید دولت نیال، صعود به اورست دیگر فقط ویژه کوهنوردان حرفه‌ای خواهد بود.

با تصمیم دولت نیال، قوانین جدیدی برای صعود به قله اورست (بلندترین قله جهان) تصویب شده که براساس این مصوبات، از این پس تنها کوهنوردان باتجربه و حرفه‌ای امکان صعود به این قله را خواهند داشت.

این تصمیمات با هدف افزایش ایمنی، کاهش تلفات و محافظت از محیط‌زیست منطقه اتخاذ شده است.

طبق با قوانین جدید:

• کوهنوردان پیش از صعود به اورست، باید حداقل یک قله ۷۰۰۰ متری را فتح کرده باشند.

• استفاده از راهنماهای مجرب نیال، الزامی است.

• هزینه‌های صدور مجوز صعود افزایش یافته و جریمه سسگینی برای رهاسازی زباله‌ها در مسیر در نظر گرفته شده است.

• همچنین داشتن پوشش بیمه‌ای برای جست‌وجو، نجات و حتی بازایی اجساد نیز الزامی شده است.

کارشناسان معتقدند اجرای این قوانین می‌تواند اورست را از یک مقصد توریستی برای افراد آماتور، به قله‌ای تخصصی و حرفه‌ای برای کوهنوردان واقعی تبدیل کند.

طی سال‌های اخیر در فصل صعود، کوهنوردان آماتور و حرفه‌ای بسیاری برای صعود به قله اورست تلاش می‌کنند و همین موضوع باعث شده زباله‌های زیادی در طی مسیر رها شود و ترافیک زیاد انسانی هم در نزدیکی قله به وجود بیاید.

■ ■ ■

کنتک‌کاری در تمرین آخر سپاهان

تیم سپاهان اصفهان با شرایط آشفته و پرحاشیه به مصاف گل‌گهر سیرجان رفت.

به گزارش فارس، شکست دور از انتظار سپاهان مقابل گل‌گهر سیرجان باعث قهرمانی زودهنگام تراکتور در لیگ برتر شد. علت این باخت هم شاید به کنتک‌کاری ۲ بازیکن در تمرین سپاهان مربوط شود!

پاترینس کارترون، سرمربی سپاهان امیدوارانه از تعقیب تراکتور در کورس قهرمانی سخنی نمی‌گفت و اینکه شاید معجزه برای آنها رخ بدهد، باین حال شکست خانگی سپاهان باعث شد حتی سرمربی فرانسوی تیم به‌شدت از بازیکنان انتقاد کند و بگوید خیلی بد بودیم و باختیم؛ شرم‌سارم. در آخرین تمرین زردپوشان اما حاشیه بزرگی رخ داد. جایی که سیدمحمد کریمی، کاپیتان سپاهان به انزوونی لای زد و باعث عصبانیت او شد تا جایی که بازیکن فرانسوی یک کت‌گرمی به صورت کریمی می‌زند و الفاظ ناشایست استفاده می‌کند. این کنت‌کاری باعث شد انزونی در بازی جمعه غایب باشد تا کمیته انضباطی باشگاه درباره‌اش رأی صادر کند.

■ ■ ■

رجاییان: نظرم انتقال کاظمیان به پرسپولیس است

مدیرعامل باشگاه آلمونیوم‌پور اراک گفت به‌عنوان مدیرعامل باشگاه نظارش این است که انتقال کاظمیان به پرسپولیس محقق شود.

به گزارش تسنیم، محمد رجاییان درباره حضور محمدامین کاظمیان در پرسپولیس و اینکه گفته می‌شود قرارداد این بازیکن امضا هم شده است، اظهار داشت: هنوز چند مسابقه دیگر از لیگ مانده است. قطعا یک تعداد از بازیکنان ما موردنظر تیم‌های دیگر هستند و با هماهنگی ما، مدیر برنامه‌های‌شان و مدیران سایر باشگاه‌ها اجازه پیدا کرده‌اند صحبت‌هایی را انجام بدهند. اینکه قرارداد بسته شده باشد، نه اینگونه نیست. کاظمیان ۲ سال دیگر با ما قرارداد دارد. ما با بازیکنی را واگذار نمی‌کنیم یا به‌گونه‌ای این کار را انجام می‌دهیم که به صرفه و صلاح باشگاه خودمان باشد. وی ادامه داد: ۷ بازیکن ما را تیم‌های دیگر می‌خواهند. قبلاً در زمان سرمربیگری سیدمهدی رحمتی هم این اتفاق برای‌مان افتاده بود. اگر می‌خواهیم فوتبال توسعه پیدا کند و در حرفه‌ای‌سازی هم ترازمان منفی نباشد، این اتفاق باید بیفتد. مدیرعامل باشگاه آلمونیوم‌پور اراک در پاسخ به این سؤال که «آیا رضایتنامه کاظمیان را برای پرسپولیس صادر می‌کنید؟» گفت: هنوز هیچ چیز معلوم نیست. درویش، مدیرعامل پرسپولیس چند جلسه داشته است. فعلاً باشگاه پرسپولیس در حال مذاکره برای جذب کاظمیان است، درباره رقم قرارداد نیز آن چیزی که منطق فوتبال و بازار است، ملاک خواهد بود.

رجاییان درباره قرارداد بازیکنان در فوتبال ایران خاطرنشان کرد: با این وضعیت اقتصادی مردم، اگر بخواهیم فوتبال‌بست‌ها را بسنجیم، یک ظلم خیلی بزرگ است. روش دیگر این است که ببینیم فوتبال چقدر برایش هزینه شده و برای سایر کارهای شادی‌آفرین چقدر. مورد سوم نیز هزینه‌هایی است که باشگاه‌های رقیب در کشورهای عرب انجام می‌دهند. بر همین اساس باید بگویم فوتبال نشاط‌آفرین بوده و خیلی از مشکلات فرهنگی کشور با همین فوتبال حل شده است. البته باید آموزش و امکانات بیشتری اختصاص داده شود. وی با اشاره به اتفاقات سال گذشته یادآور شد: راجع به انتقال لیموچی اتفاقات بدی افتاد که ما در آن تأثیرگذار نبودیم. پرسپولیس و درویش هم در این موضوع بی‌تقصیر بودند. الان که بحث کاظمیان است، من خودم به‌عنوان مدیرعامل باشگاه نظرم این است که این اتفاق برای پرسپولیس رخ بدهد.

مدیرعامل باشگاه آلمونیوم‌پور درباره خرید دستگاه VAR توسط باشگاه‌ها از جمله آلمونیوم‌پور گفت: به دلیل افزایش هزینه‌های شرکت، افزایش بهای برق و... یک مقداری سپاهمداران ما نسبت به سرمایه‌گذاری دلسرد شده‌اند. البته این مسائل را پیگیری کردیم و فشار روشن‌تر شده است. و امیدوارم فصل بعد تیمی ایده‌آل و منطقی داشته باشیم و مثل امسال خوب بازی کند. هواداران انتظار دارند رقم بعدی برای سهمیه و رتبه‌های بالا باشد.

رجاییان با اشاره به اینکه کل هزینه تیم بزرگسالان آلمونیوم‌پور ۱۹۸ میلیارد و درآمن‌زایی این باشگاه ۷۰-۶۰ میلیارد بوده است، درباره احتمال حضور سرمربی آلمونیوم‌پور در تیم ملی فوتبال امید اظهار داشت: فدراسیون با هماهنگی ما با سیدمحمدجی حسینی مذاکره کرده و در نهایت تصمیم‌گیرنده باشگاه و خود او هستند. تا اینجا کار آقای حسینی سرمربی آلمونیوم‌پور در فصل آینده است.

تراکتور یک دهه پس از آن جشن جعلی، این بار واقعا قهرمان لیگ برتر شد

سرانجام جام

بازیکنانی را به تبریز آورد که یا سابقه کار با او را داشتند، یا در سطحی بودند که نیاز تاکتیکی تیم را پوشش دهند؛ نه نام‌های بزرگ بی‌کارنامه، نه استعدادهای ناشناخته از مایشی. فصل برای تراکتور، با فشار انتظارات شروع شد. شور و شوق بی‌حد پرشورها، در آغاز فصل گاهی به تیم ضربه زد؛ تراکتور در بازی‌های خانگی متزلزل ظاهر شد اما در سفرها و زمین‌های بیگانه، تیمی متمرکز و برنده بود. نقطه عطف اما در این مسیر، تضادها و حواشی نیز بخشی از واقعیت تراکتور بودند. مسابقه پرتالپ مقابل پرسپولیس، حواشی آن و بازتاب اجتماعی‌اش، به جای فروپاشی نظم تیمی، به طرز عجیبی، سوخت موتور انگیزشی بازیکنان شد. ستاره‌هایی که شاید هر کدام می‌توانستند مسیر خود را بروند، این بار در قالب یک تیم، یک تعهد جمعی را پذیرفتند: ثبت نخستین قهرمانی تاریخ تراکتور.

در ایسن میان، نقش مدیریت تیم، بویژه با حضور چهره کاریزماتیکی چون خداداد عزیزی و جذب بازیکنانی نظیر دروژدک، به تکمیل پازل قهرمانی کمک کرد. تراکتور این فصل، اگر چه همچنان پر از ستاره بود اما این بار هر ستاره‌ای جای خودش را می‌شناخت و هیچ نامی بزرگ‌تر از نظم تیمی نبود. **■ رؤیایی که سرانجام تعبیر شد** همزمان، ثبات مدیریتی و مالی باشگاه نیز فاکتوری غیرقابل انکار در این موفقیت بود. محمدرضا نژوی، مالک باشگاه، برخلاف بسیاری از مالکان سنتی فوتبال ایران، این بار نه در نقش یک مداخله‌گر که در قامت یک ناظر عاقل عمل کرد. هیچ بحران مالی، تنش مدیریتی یا تغییر در ساختار اداری، مسیر تیم را منحرف نکرد. تیم در آرامشی مثال‌زدنی، بازی به بازی به هدف نزدیک‌تر شد و حالا در آستانه ثبت رکورد ۷۰ امتیاز در لیگ برتر، با قهرمانی نیز تاج‌گذاری کرده است.

در نهایت، تعبیر رؤیای قهرمانی تراکتور، نه فقط یک اتفاق نیم‌فصل نخست بود و واپسین روزهای حضور گاریدو روی نیمکت پرسپولیس، نمایش و نتایج نه‌تنها قانع‌کننده نبود که حتی نگرانی را تا مغز استخوان پیماژ می‌کرد.

نوع استفاده مرد اسپانیایی از خرید تک‌تک آنها فریب‌خورد. برخید تک‌تک این خریدار، آندکر اشتباه بود که انگار پرسپولیس در بعد یک باخت از شدت خشم که کاملاً با پرده‌ای از احساسات چشم‌ر نابینا کرده بود، نوشتم: «سر پرسپولیس نه کلاه گشاد، بلکه گونی رفته!»

به دید من علی‌علیپور تمام شده بود، سروش رفیعی بی‌رقم و بی‌اثر. راه‌حل را در اخراج جمعی این بازیکنان می‌دیدم اما حقیقت، چیزی فراتر از آنچه بود که ما در زمین مسابقه می‌دیدیم. کجا؟ در دل ورزشگاه شهید کاظمی. در لایه‌ای وزنه‌های سالن جیم.

■ **اوسمار باج داد تا جام بگیرد**

ایراد کار در انتخاب رضا درویش بود و اشتباه اصلی در سبک مربیگری گاریدو. او به‌جای درک فوتبال و فوتبالیست ایرانی، دنبال ساختن مجموعه‌ای از گل‌ایده‌ها بود. تمرینات فوق‌سنگین بندسازی در ابتدای فصل، بی‌توجهی به واقعیت‌های موجود و ناآگاهی از شرایط فیزیکی و سبک زندگی بازیکنان ایرانی باعث شد همه چیز به هم بریزد.

یک مثال ساده می‌زنم؛ درباره ارونوف. اوسمار با درک واقعیت، ستاره ازبک‌ش را غلط یا درست در پر قو گذاشت. معاف از تمرینات سنگین و بعضی روزها حتی سبک، حتی در تمرینات سبک بود و واپسین روزهای حضور گاریدو روی نیمکت پرسپولیس، نمایش و نتایج نه‌تنها قانع‌کننده نبود که حتی نگرانی را تا مغز استخوان پیماژ می‌کرد.

نوع استفاده مرد اسپانیایی از خرید تک‌تک آنها فریب‌خورد. برخید تک‌تک این خریدار، آندکر اشتباه بود که انگار پرسپولیس در بعد یک باخت از شدت خشم که کاملاً با پرده‌ای از احساسات چشم‌ر نابینا کرده بود، نوشتم: «سر پرسپولیس نه کلاه گشاد، بلکه گونی رفته!»

به دید من علی‌علیپور تمام شده بود، سروش رفیعی بی‌رقم و بی‌اثر. راه‌حل را در اخراج جمعی این بازیکنان می‌دیدم اما حقیقت، چیزی فراتر از آنچه بود که ما در زمین مسابقه می‌دیدیم. کجا؟ در دل ورزشگاه شهید کاظمی. در لایه‌ای وزنه‌های سالن جیم.

ایراد کار در انتخاب رضا درویش بود و اشتباه اصلی در سبک مربیگری گاریدو. او به‌جای درک فوتبال و فوتبالیست ایرانی، دنبال ساختن مجموعه‌ای از گل‌ایده‌ها بود. تمرینات فوق‌سنگین بندسازی در ابتدای فصل، بی‌توجهی به واقعیت‌های موجود و ناآگاهی از شرایط فیزیکی و سبک زندگی بازیکنان ایرانی باعث شد همه چیز به هم بریزد.

یک مثال ساده می‌زنم؛ درباره ارونوف. اوسمار با درک واقعیت، ستاره ازبک‌ش را غلط یا درست در پر قو گذاشت. معاف از تمرینات سنگین و بعضی روزها حتی سبک، حتی در تمرینات سبک بود و واپسین روزهای حضور گاریدو روی نیمکت پرسپولیس، نمایش و نتایج نه‌تنها قانع‌کننده نبود که حتی نگرانی را تا مغز استخوان پیماژ می‌کرد.

قهرمانی جام حذفی، آغاز راه استقلال است، نه پایان آن

هشدار مجتبی

سرمربی آبی‌ها از آینده تیم، راز ترکیب بازی با آلمونیوم‌پور شرط انتخاب سرمربی جدید گفت. مجتبی جباری، مرد همیشه منتقدان این روزهای آرام استقلال، حالا با پیراهن سرمربیگری که میانه میدان بازگشته، جایی که تحلیل و عمل را توأمان در چهره‌اش می‌توان دید. او که پس از برتری پرگل ۵ بر یک تیمش مقابل آلمونیوم‌پور اراک، مفاسل خبرنگاران حاضر شد، هم از آنچه در زمین گذشت گفت و هم از آنچه باید در آینده رقم بخورد. اگر چه ادبیاتش به مراتب ملایم‌تر از روزهای بازی‌اش بود اما همچنان دقیق، موشکافانه و مسوولانه به نظر می‌رسید.

در روزی که نمی‌ا سکوهای ورزشگاه آزادی به دلیل بازسازی تخریب شده بود و هواداران آبی‌پوش کمتری به ورزشگاه آمده بودند و البته جایگاه و وضعیت بد استقلال در لیگ هم دلیل بر بی‌میلی تعدادی از هواداران همیشه همراه بود، آبی‌ها توانستند جذاب‌ترین و پرگل‌ترین بازی این فصل خود را به نمایش بگذارند. آلمونیوم‌پو که مقابل پرسپولیس همیشه بازی خوبی به نمایش گذاشته و برده‌های جذابی داشته؛ به گفته مدیرعاملش آمده بود نخستین برد تیمش مقابل استقلال را هم در کارنامه ثبت کند اما با نتیجه سنگین ۵ بر یک تا اراک بدرقه شد.

استقلال بر این دیدار با پاس‌های متوالی سالم، بازی سرعتی و هماهنگی خوب بازیکنانش توانست نمایش خیره‌کننده‌ای به نمایش بگذارد. تغییر کادر فنی و حضور جلال چراغ‌پور کنار مجتبی جباری، سرمربی استقلال، این تیم را حداقل در یک بازی بدون گله و شکایت از نحوه و نتیجه بازی به یک پیروزی قاطعانه رساند.

جباری در این دیدار ۳ بازیکن خارجی خود را روی نیمکت گذاشت و ترکیب متفاوتی نسبت به هفته‌های اخیر چید. نیمکت‌نشینی ماسارپیوف، اندونگ و سیلوا شاید در وهله اول باعث تعجب همگان شد اما بازی خوب جانشینان این ۳ بازیکن نشان داد جباری و کادش بخوبی تیم بحران‌زده خود را آنالیز کرده و این تغییرات منجر به تحول عظیمی خواهد شد. با وجود اینکه هواداران به بازی تدافعی اندونگ رضایت دارند اما استقلال با این بازیکن نمی‌تواند در زمانی که تیم طراحی حمله می‌کند، نقش پررنگی ایفا کند. تمایل هافبک خارجی استقلال بازی رو به عقب و دفاع کردن مقابل حملات حریف است و شاید اگر یک هافبک طراح کنار او بود که با توپ‌گیری و شروع حمله موقعیت‌های بیشتری خلق می‌شد؛ بازی‌اش در حملات تیم بیشتر دیده می‌شد.

جباری به اندونگ استراحت داد و استقلال در حمله بسیار فعال‌تر ظاهر شد. حضور همزمان کوشکی، اسلامی و سعداوی جوان یک ترکیب متفاوت و صالبته ایده‌آل برای تیم بود. گل دوم استقلال که با دریبل‌های بی‌نقص و متوالی کوشکی به اوسمار رسید و این بازیکن توپ را یک ضرب وارد دروازه کرد، بهترین گل استقلال در این دیدار لقب گرفت.

جباری در این دیدار با پاس‌های متوالی سالم، بازی سرعتی و هماهنگی خوب بازیکنانش توانست نمایش خیره‌کننده‌ای به نمایش بگذارد. تغییر کادر فنی و حضور جلال چراغ‌پور کنار مجتبی جباری، سرمربی استقلال، این تیم را حداقل در یک بازی بدون گله و شکایت از نحوه و نتیجه بازی به یک پیروزی قاطعانه رساند.



اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.

اکتون تبریز، در پس‌زمینه جشن‌های پرشورها، شنانه‌ای است از اینکه در فوتبال ایران، هنوز می‌توان روای بلند را با برنامه‌ریزی و صبر تعبیر کرد. ۱۰ سال پس از آن غروب تلخ، یادگار امام خاطره‌ای شیرین را در حافظه خود حک می‌کند؛ خاطره قهرمانی، خاطره بلوغ.